

اعتبار قطع و رواداری نقض آن

دکتر سیدمحمدحسن مومنی

استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه علامه طباطبایی

dr.smhmomeni@atu.ac.ir

چکیده

اکثر اصولیین بر این باورند که حجیت و اعتبار، ذاتی قطع طریقی و قطع، علت تامه برای آن است و امکان نقض اعتبار و نهی شرعی از قطع وجود ندارد، چرا که به سلب ذاتیات از ذات باز می‌گردد و از نگاه شخص قاطع به تناقض در حکم شرعی می‌انجامد. این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی بر آن است که با توجه به احتمال جهل مرکب در قطع، و همچنین تأخر جایگاه و تحققش از حکم شرعی و مقام واقع مقطوع و شأن حق الطاعه امکان نهی شرعی از آن را بسان قطع موضوعی بی هر گونه محذوری به رسمیت بشناسد، چه آنکه در شریعت چنین سلب اعتباری واقع شده است، زیرا وجوب متابعت، امر ذاتی قطع نبوده و مقتضای حق الطاعه و ناشی از حق مولویت است که در توسعه و تضییق وابسته به اراده و مشیت شارع مقدس است، و با وجود ظرفیت جهل مرکب و تأخر رتبه قطع از واقع وجودی امر مقطوع، وحدت موضوعی لازم در تناقض هرگز محقق نخواهد شد.

واژگان کلیدی: قطع طریقی، قطع موضوعی، حجیت ذاتی، نهی از قطع، نهی ارشادی، نهی مولوی.

نفس آدمی در مواجهه با پدیده‌ها گاه به سرحد جزم می‌رسد. جزم نفسانی نسبت به متعلقش در رتبه متأخری قرار دارد و در پی ارتباط با آن است که شکل می‌گیرد. قطع برزخی است که در عین جزم گرانی می‌تواند نقطه افول باشد، زیرا در فرض جهل مرکب شخص قاطع نه تنها به حقیقت واقع دست نیافته است، بلکه در گمراهی سترگی گرفتار آمده که خود نیز از آن بی‌خبر است. لذا بررسی وجاهت قطع در سنجه‌ای دوباره شایسته است. افزون بر آنکه تأخر رتبی قطع از متعلق حتی در فرض مطابقتش با واقع سؤال از امکان ردع از قطع را پیش روی ما قرار می‌دهد.

قطع اگر فقط از آن جهت که از متعلق خود پرده بر می‌دارد در نظر گرفته شود قطع طریقی است، و اگر در قلمرو موضوع حکم به ایفای نقش پردازد و نقش موضوعی یابد قطع موضوعی است. تأخر رتبه از واقعیت خارجی متعلق، احتمال جهل مرکب، واقعیت و معنای حجیت و همچنین مصدر و منشأ آن در قطع طریقی به طور شایسته از سوی بسیاری از اصولیین مورد توجه قرار نگرفته و به خصوص از زمان شیخ انصاری به بعد، حجیت ذاتی قطع و عدم امکان منع و نهی از آن، با وجود هاله‌ای از ابهامات، از سنخ ارسال مسلمات قلمداد شده است. تحقیق حاضر ارزش معرفت‌شناسانه قطع طریقی را بازنمایی کرده، از جایگاه واقعی اعتبار این حالت نفسانی پرده برمی‌دارد و به کشف معنای واقعی حجیت قطع پرداخته و امکان نهی و ردع شرعی از آن را به سنجه می‌نشیند، نظیر آنچه نسبت به انواع قیاسات باطل، (قیاس مساوات، استحسان، مصالح مرسله و مقاصد الشریعة استحسانی)، در شریعت اتفاق افتاده است. بحث از امکان نهی شرعی از قطع طریقی هر دو گونه نهی مولوی و ارشادی را در بر می‌گیرد، اگر چه در کلمات نامداران اصول تصریحی به تفصیل نیامده است.^۱

پذیرش امکان نهی شرعی از قطع و سلب اعتبار از آن در خصوص قطاع اساس تمام استدلال‌ها و اشکال‌های مخالفین را در هم می‌ریزد. زیرا بن ساخت تمام اشکالات ادعای تناقض عقلی است. احکام عقلی دائر مدار ملاک عقلی و استثنا ناپذیر است. پس اگر در موردی سلب اعتبار از قطع ممکن باشد در سایر موارد نیز منع عقلی نخواهد داشت.

پیشینه بحث

بحث از دلیل عقلی از دیرباز در میان اصولیین مطرح بوده است. شیخ طوسی به عنوان اولین قرینه بر صحت مضمون خبر از دلیل عقلی یاد کرده است.^۲ با این وجود، پیش از تحقیقات اخباری‌ها و به طور خاص تا قبل از قرن یازدهم هجری و تحقیقات ملا امین استرآبادی چندان چهره مستقلی نداشته است. با تحقیقات ملا امین در نقد سبک اجتهادی محقق کرکی و به طور عام اصولیین که به استدلال‌های نظری در قبال و یا در کنار ظواهر ادله نقلی گرایش

۱. برای مشاهده کلمات ارکان اصول که تصریحی به تفصیل بحث ندارند رجوع شود به: شیخ انصاری، *فرانداصول*، ۳۱/۱. آخوندخراسانی، *کفایة الاصول*، ۲۶۳/۲. نائینی، *اجود التقریرات*، ۱۲/۶ تا ۸. محقق عراقی، *نهایة الافکار*، ۱۳/۶ تا ۸. خوئی، *مصباح الاصول*، ۱۵/۱ و ۱۷.

۲. شیخ طوسی، *العدة فی الاصول*، ۱۴۳/۱.

داشتند مسأله اعتبار دلیل عقلی به چالشی جدی بدل گشت و با تلاش‌های محقق بحرانی و سید نعمت‌الله جزائری و شارح وافیه و تحقیقات برخی نام‌داران اصول، مثل صاحب فصول اعتبار قطع مبتنی بر استدلال‌های نظری عقلی با دقتی دو چندان به نقد کشیده شد. صاحب فصول نخستین اصولی است که به تفصیل اعتبار قطع حاصل از دلیل نظری عقلی را مورد انتقاد جدی قرار داد. در کلمات شیخ جعفر کاشف الغطاء و همفکرانش از قطع قطاع، و در کلام صاحب جواهر از برخی صور قطع در اثنای وضو سلب اعتبار شد.

به رغم آنچه شهرت یافته نظریه امکان نقض اعتبار قطع نه تنها در تحقیقات مزبور، بلکه به گفته شیخ انصاری نزد مشهور علما در عصر وی و پیش از آن در خصوص قطع قطاع رواج داشته است.^۳ افزون بر مشاهیر اخباری که قطع به احکام شرعی از مقدمات نظری عقلی را غیر معتبر دانسته‌اند،^۴ شیخ جعفر کاشف الغطاء نیز قطع قطاع را در شریعت فاقد اعتبار دانسته است.^۵ صاحب جواهر درباره اعتبار قطع از جهت سبب و متعلق قطع در بحث شک در اثنای وضوء قائل به تفصیل شده است.^۶ صاحب فصول حجیت حکم عقل، (قطع حاصل از مقدمات عقلی)، را برای ملازمه با حکم شرع به عدم ورود منع شرعی محدود می‌داند.^۷ سید یزدی تحصیل قطع به حکم شرعی را از راه مقدمات عقلی نظری نامعتبر خوانده و امکان نهی شرعی را پذیرفته است.^۸ صاحب وقایه الأذهان در پیروی از عمومیش، صاحب فصول ملتزم شده که نفی حجیت قطع در غیر آثار ذاتی اش ممکن است.^۹ میرزای نائینی منع شرعی از قطع را به شیوه تصرف در مقطوع به از راه متمم جعل ممکن دانسته است.^{۱۰}

در شمار مقالات انجام یافته نیز مقاله «ارزیابی از مواجهه معرفتی اصولی با اخباری ذیل مسأله حجیت ذاتی قطع»^{۱۱} به تبیین توصیفی حجیت ذاتی قطع و پیش فرض‌های معرفت‌شناسانه آن در قبال اخباری‌ها پرداخته است. مقاله «قطع و یقین از منظر علم اصول و معرفت‌شناسی بر پایه دیدگاه آخوند و علامه طباطبائی»^{۱۲} به تبیین دیدگاه این

۳. شیخ انصاری، *فوائد الاصول*، ۶۵/۱.

۴. استرآبادی، *الفوائد المدنیة*، ۱۲۹/۱ تا ۱۳۱. جزائری، *شرح التهذیب*، ۴۷- بنابر نقل پاورقی *فوائد الاصول*، ۵۵/۱. محقق بحرانی، *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، ۱۲۵/۱ تا ۱۳۳. محقق بحرانی، *الدرر النجفیة من الملتقطات الیوسفیة*، ۲۴۵/۲ تا ۲۵۵. رضوی، *شرح الوافیة*، ۲۱۵.

۵. کاشف الغطاء، *کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء*، ۳۰۸/۱.

۶. نجفی، *جواهر الکلام*، ۳۵۹/۲.

۷. حائری اصفهانی، *الفصول الغرویة*، ۳۴۳.

۸. سید یزدی، *حاشیة فوائد الاصول*، ۲۱/۱ تا ۳۵.

۹. نجفی اصفهانی، *وقایة الأذهان*، ۴۴۷. حائری اصفهانی، *الفصول الغرویة*، ۱۱۶/۱ تا ۱۱۷.

۱۰. نائینی، *اجود التقريرات*، ۲/۶ تا ۸.

۱۱. صفائی، «ارزیابی از مواجهه معرفتی اصولی با اخباری ذیل مسأله حجیت ذاتی قطع»، ۳۰۶.

۱۲. احدی، «قطع و یقین از منظر علم اصول و معرفت‌شناسی بر پایه دیدگاه آخوند و علامه طباطبائی»، ۳۴.

دو عالم در راستای حجیت قطع بسنده کرده است. مقاله «واکاوی قطع و حجیت آن در آیات و روایات»^{۱۳} به استناد ادله قرآنی و روایاتی داده‌های اصولیان در حجیت قطع را به بازخوانی نشسته است و مقوله قطع در اصول که حجیتش را ذاتی دانسته‌اند با علم و قطع و اطمینان مذکور در آیات و روایات منطبق ندانسته است. مقاله «بررسی تطبیقی حجیت قطع از دیدگاه آخوند خراسانی، شهید صدر و امام خمینی»^{۱۴} ادله مشهور اصولیین بر ذاتی بودن حجیت قطع را از نظر شهید صدر و امام خمینی ناتمام برشمرده و کوشیده است بر اساس مبانی شهید صدر و امام خمینی دلایل موجهی در این خصوص ارائه کند. مقاله «بررسی دیدگاه امام خمینی پیرامون منشأ حجیت قطع» صرفاً به بررسی نظریه امام بر نفی حجیت ذاتی قطع پرداخته است.^{۱۵} مقاله «تحکیم و تحلیل دیدگاه امام خمینی در نقد حجیت ذاتی قطع» نیز حجیت را فقط در معنای منجزیت و معذیریت مورد تأمل قرار می‌دهد و دیدگاه امام را در نفی ذاتیت آن تحکیم می‌کند.^{۱۶} در همین راستا مقاله «بررسی امکان و وقوع منع متابعت از قطع با رویکرد به آرای امام خمینی» بر مبنای نظریه خطابات قانونی، اصل منع از متابعت قطع را به پژوهش نشسته است.^{۱۷} اما علاوه بر آنکه پژوهش را منحصر در مبنای خطابات قانونی ترسیم کرده است و در واقع با خروج از این مبنا پژوهش بی اثر می‌گردد، مسأله را در خصوص قطع خطائی پی گرفته و بررسی تفصیلی بین نهی مولوی و ارشادی را مورد توجه قرار نداده است. «بررسی حجیت ذاتی قطع و آثار آن» نیز فقط به بررسی دو دیدگاه مطرح پیرامون ذاتی بودن یا مجعول عقلائی بودن حجیت برای قطع پرداخته است.^{۱۸} «بررسی حجیت قطع با رویکرد به مفهوم عقلائی حجیت» نیز با تکیه بر سیره عقلائی می‌کوشد به فهم و توجیه نظریه حجیت قطع و قابلیت استناد طرفینی قطع پردازد.^{۱۹} «پژوهشی در حجیت ذاتی قطع در علم اصول» به معانی سه گانه حجیت در مورد قطع و بیان انواع دیدگاه‌ها در ارتباط با آن پرداخته است.^{۲۰} «نقدی بر کاشفیت ذاتی قطع از واقع در پرتو معرفت‌شناسی جدید» بر اساس مبانی معرفت‌شناسی جدید و تمایز بود و نمود در اندیشه کانت کاشفیت ذاتی قطع را غیر قابل دفاع دانسته است.^{۲۱} شاید بتوان گفت همسوترین پژوهش با تحقیق حاضر مقاله «نگاهی انتقادی به حجیت ذاتی قطع» است که از نظر ثبوتی عدم حجیت ذاتی قطع را پذیرفته و در مقام اثبات نیز روایات ناهی از قیاس و رؤیا را به معنای نهی از قطع حاصل از آن دو دانسته است. هر چند به تفصیل نهی ارشادی و مولوی و همچنین قطع مصیب در مقابل قطع خطائی نپرداخته و تالی فاسد قبح عقاب را فقط در خصوص

۱۳. صابری، «واکاوی قطع و حجیت آن در آیات و روایات»، ۱۰۸.

۱۴. نجفی، «بررسی تطبیقی حجیت قطع از دیدگاه آخوند خراسانی، شهید صدر و امام خمینی»، ۷۰.

۱۵. امام، «بررسی دیدگاه امام خمینی پیرامون منشأ حجیت قطع»، ۱۶ و ۱۷.

۱۶. آهنگران، «تحکیم و تحلیل دیدگاه امام خمینی در نقد حجیت ذاتی قطع»، ۹ و ۳۱.

۱۷. هدائی، «بررسی امکان و وقوع منع متابعت از قطع با رویکرد به آرای امام خمینی»، ۱۳۳ و ۱۵۸.

۱۸. قربان زاده، «بررسی حجیت ذاتی قطع و آثار آن»، ۴۹ و ۶۳.

۱۹. حمیدی، «بررسی حجیت قطع با رویکرد به مفهوم عقلائی حجیت»، ۲۵.

۲۰. اسماعیلی، «پژوهشی در حجیت ذاتی قطع در علم اصول»، ۱۰۳ و ۱۲۹.

۲۱. نیکوئی، «نقدی بر کاشفیت ذاتی قطع از واقع در پرتو معرفت‌شناسی جدید»، ۳۷۳ و ۴۰۱.

قاطع مقصر ترسیم کرده است.^{۲۲} اما پایان نامه «تحلیل مبانی حجیت قطع با تأکید بر نظرات شهید صدر» نیز عمده تلاشش آن است که مبتنی بر نظریه حق الطاعه حجیت را لازمه قطع نداند.^{۲۳} تمام مقالات و پایان نامه در پیشینه ذکر شد و وجه تمایز تحقیق حاضر با آنها بیان شد و همچنین مورد تکراری چنانکه فرمودید حذف شد

اما تحقیق حاضر در قلمرو موارد ذیل، گاه از جنبه محتوا و گاه از جهت رویکرد و گاه در نحوه پرداخت مطالب دارای نوآوری و تمایز واضح و روشن است:

۱- اعتبار قطع در مواجهه با نهی مولوی جدای از نهی ارشادی مستقلاً بررسی شده است. ۲- به امکان ردع از قطع حتی در صورت مطابقت با واقع نیز توجه شده است. ۳- به ظرفیت نفس الامر در متعلق قطع فراتر از حوزه واقعیت وجود شناختی اش توجه شده و به کارکرد آن در حوزه معرفت شناسی به طور جدی توجه شده است. ۴- نقض اعتبار قطع صرفاً در حد امکان عقلی مورد توجه قرار نگرفته، بلکه وقوعش به صورت کاربردی در گستره فقه رصد شده است. به دیگر سخن، بر خلاف بسیاری از تحقیقات پیش گفته نه تنها امکان عقلی، بلکه افزون بر آن، امکان وقوعی و حتی برخی موارد نهی شرعی از قطع طریقی را نیز به اثبات نشسته است. ۵- افزون بر این امکان منع متابعت از قطع صرفاً مبتنی بر مبنای خاصی، مثل مبنای خطابات قانونی استوار نساخته است. ۶- مسأله تالی فاسد سد باب عقاب که بر عدم امکان نهی از قطع مترتب می‌گردد را منحصر در قاطع مقصر ندیده و آن را در مطلق قاطع وارد می‌داند. (همچنان برخی آثار مغفول واقع شده است. مانند مقاله نگاهی انتقادی به حجیت ذاتی قطع که هم به لحاظ ثبوتی و هم به لحاظ اثبات و ادله نقلی بر خلاف حجیت ذاتی قطع، مسئله را بررسی کرده است. همچنین مقالات متعدد دیگری که در این باره منتشر شده است مانند: بررسی دیدگاه امام خمینی (س) پیرامون منشأ حجیت قطع؛ تحلیل مبانی حجیت قطع با تأکید بر نظرات شهید صدر؛ بررسی امکان و وقوع منع متابعت از قطع با رویکرد به آرای امام خمینی؛ نقدی بر «کاشفیت ذاتی قطع از واقع» در پرتو معرفت شناسی جدید؛ پژوهشی در حجیت ذاتی قطع در علم اصول؛ تحکیم و تکمیل دیدگاه امام خمینی (ره) در نقد حجیت ذاتی قطع؛ بررسی حجیت قطع با رویکرد به مفهوم عقلایی حجیت؛ بررسی حجیت ذاتی قطع و آثار آن) تمام موارد مذکور به عنوان پیشینه ذکر گردید و وجه تمایز این تحقیق با آنها بیان شد.

مبحث اول، وجه عدم امکان نقض اعتبار قطع طریقی

با ابتکارات اصولی شیخ انصاری مسأله حجیت قطع چهره جدیدی پیدا کرد و شهرت موجود در عصر شیخ و پیش از وی دگرگون شد و اکثر اصولیین بر حجیت ذاتی قطع و عدم امکان نهی شرعی از آن همداستان شدند^{۲۴} و وجه عدم

۲۲. شاکری، «نگاهی انتقادی به حجیت ذاتی قطع»، ۴۳ و ۶۹.

۲۳. نجفی، «تحلیل مبانی حجیت قطع با تأکید بر نظرات شهید صدر»، ۱ تا ۱۲ و ۶۵ تا ۹۵.

۲۴. آخوند خراسانی، کفایة الاصول، ۲/۲۶۳. عراقی، نهایة الافکار، ۳/۷۰۶. محقق اصفهانی، نهایة الدراریة، ۳/۱۸. حائری یزدی، درر الفوائد، ۳۲۷ تا ۳۲۹. خوئی، مصباح الاصول، ۱/۱۷. صدر، دروس فی علم الاصول، ۴/۹۹.

امکان نهی از قطع بر محور سه نکته کلیدی می‌چرخد؛ نخست، کشف ذاتی قطع دوم، ذاتی بودن حجیت برای آن و سوم، لزوم تناقض در فرض نقض اعتبار و نهی شرعی از آن.^{۲۵}

محقق عراقی قطع را دارای سببیت تام برای حکم عقل تنجیزی به وجوب اطاعت دانسته، لذا نهی شرعی از آن را محال شمرده است. زیرا یا سلب کاشفیت ذاتی از قطع است که سلب ذاتی از ذات محال عقلی است، و یا ترخیص شرعی در ارتکاب معصیت است.^{۲۶}

آیه الله حائری اگر چه به درستی با توجه به تأخر مقام قطع نسبت به واقع، محذور تناقض را بر نمی‌تابد، اما از آنجا که عمل به تکلیف قطعی را موجب تحقق عنوان اطاعت و عدم عمل به آن را موجب تحقق عنوان مخالفت با مولی می‌داند و همچنین اطاعت را علت تامه برای حُسن و مخالفت را علت تامه برای قبح برمی‌شمرد در نتیجه نهی از قطع به حکم شرعی را نهی از اطاعت حکم شرعی دانسته که قبیح عقلی است.^{۲۷}

آیه الله صدر نیز همچون استادش، صاحب منتقی الاصول^{۲۸} مبتنی بر حق الطاعه نهی شرعی از قطع طریقی را به بیانی محال شمرده که کاملاً منبعث از کلام آیه الله حائری مؤسس است.^{۲۹} (وقتی نام اشخاص ذکر می‌شود و دیدگاه به ایشان نسبت داده می‌شود تمام موارد ارجاع لازم دارد. لذا کلام صاحب منتقی الاصول و آیت الله حائری نیز باید به کتب ایشان ارجاع داده شود.) ارجاعات انجام شد.

۱. نقد نظریه عدم امکان نقض اعتبار قطع

۱- در کاشفیت ذاتی قطع غفلت شده که این کاشفیت نه علی الاطلاق است و نه به لحاظ واقع و نفس الامر بلکه مقید به منظر و نگاه شخص قاطع است، لذا قطع را «کشف الواقع لدی القاطع» دانسته‌اند. از این رو قطع، اعم از جهل مرکب است و راز آن در دوگانگی قطع نسبت به واقع و تأخر وجودی‌اش از مقام واقع و وجود واقعی امر مقطوع است و چه بسا قاطع بی آنکه بداند گرفتار جهل مرکب باشد.

قطعی را که اصولیین دارای حجیت ذاتی می‌دانند حتماً اعم از جهل مرکب است، نه خصوص قطع مطابق واقع، چرا که

اولاً، اگر خصوص قطع مطابق واقع مورد نظرشان می‌بود معنا نداشت با چالش تجری روبه رو باشند و برای معضل تجری راه حل ارائه کنند، زیرا بنا بر حجیت ذاتی قطع، آنگاه که قطع بر خطا می‌رود حجیت ذاتی زیر سوال قرار می‌گیرد که چگونه قطع خلاف واقع دارای حجیت ذاتی بوده و حال آنکه قطعاً مکلف نسبت به واقع تکلیف داشته، و از سوی دیگر چگونه در نگاه شیخ و اتباعش شخص متجری با وجود

^{۲۵}. شیخ انصاری، *فرائد الاصول*، ۳۱/۱. خونی، *مصباح الاصول*، ۱۷/۱.

^{۲۶}. عراقی، *نهایة الافکار*، ۶/۳ تا ۷.

^{۲۷}. حائری، *درر الفوائد*، ۳۲۷ تا ۳۲۹.

^{۲۸}. روحانی، *منتقی الاصول*، ۲۹/۴ و ۴۴۰ تا ۴۴۲.

^{۲۹}. صدر، *دروس فی علم الاصول*، ۹۹/۴. حائری یزدی، *دررالفوائد*، ۳۲۸ تا ۳۲۹.

مخالفتش با قطع دارای حجیت ذاتی مستحق عقوبت بر تجری نیست!^{۳۰} (اتباع شیخ نیز ارجاع لازم دارد.) ارجاعات انجام شد

ثانیا، محقق سبزواری در ذخیره استدلالی عقلی ارائه کرده‌اند که مطابق مکتب عدلیه حجیت قطع را حتی در قطع مخالف واقع نیز جاری می‌سازد.^{۳۱}

ثالثا، شیخ انصاری با نقل استدلال ذخیره به نقد آن می‌پردازد اما هرگز شمول حجیت ذاتی قطع نسبت به جهل مرکب را مورد مناقشه قرار نمی‌دهد.^{۳۲}

رابعا، شیخ با صراحت سخن از مراتب مذمت در قطع مصیب و قطع خطائی به میان می‌آورد اما هرگز قطع خطائی را از شمول حجیت ذاتی قطع خارج نمی‌کند، بلکه به عکس برای توجیه مسأله به قول مشهوری استشهد می‌کند که برای مجتهد مخطی اجر واحد را مقرر داشته است.^{۳۳}

خامسا، مرحوم مظفر در بحث حجیت ذاتی قطع به چالش قطع به خطائی بودن برخی از قطعیات پرداخته و با راهکار علم اجمالی در ازالة شبهه کوشیده است، در حالی که اگر حجیت ذاتی قطع شامل جهل مرکب و قطعیات خطائی نمی‌بود برای حل شبهه کافی بود مسأله را سالبه به انتفای موضوع معرفی کند، به این بیان که اساسا حجیت ذاتی شامل قطعیات که در واقع جهل مرکبند نمی‌شود. افزون بر آنکه صراحتا از حجیت قطعی که در واقع بر خطاست در شمار حجیت ذاتی قطع استدلال کرده است.^{۳۴}

مرحوم نائینی نیز به شمول علم بر قطع خطائی در بحث حجیت ذاتی قطع تصریح دارد.^{۳۵}

۲- افزون بر احتمال جهل مرکب و تأخر از واقع، حیثیت «منظری» قطع نیز این ظرفیت را پدید می‌آورد که از موضوعیت تامه و علیت تامه برای حکم تنجیزی عقل به وجوب اطاعت خارج باشد و این امکان برای شارع مقدس فراهم گردد که در موارد لازم از متابعت آن نهی کند بی آنکه ترخیصی در معصیت باشد، زیرا قطع، بیانگر حالت روانی و نفسانی شخص در جزم نسبت به قضیه و حکم مورد قطع است و این غیر از رابطه آن قضیه و حکم نسبت به واقعیت وجودی آن دو در متن واقعیت خارجی است. تحلیل اصولی رابطه نهی و ردع شرعی با قطع به تفصیل خواهد آمد.

۳- نهی شرعی از قطع به معنای منع از اطاعت مولی نیست. بلکه به مجرد تعلق قطع مصداق و صغری برای کبرای عقلی استحقاق عقوبت بر معصیت، (یا به تعبیری قبح معصیت یا همان لزوم اطاعت)، نسبت

۳۰. شیخ انصاری، فرائد الاصول، ۳۹/۱ تا ۴۱. بجنوردی، منتهی الاصول، ۵۵/۲. سبحانی، المحصول فی الاصول،

۲۹/۳ و ۳۲.

۳۱. فقیه سبزواری، ذخیره العباد فی شرح الارشاد، ۲/۲۰۹ و ۲۱۰.

۳۲. شیخ انصاری، فرائد الاصول، ۳۸/۱ و ۳۹.

۳۳. شیخ انصاری، فرائد الاصول، ۴۱/۱.

۳۴. مظفر، اصول الفقه، ۳۸۳ و ۳۸۴.

۳۵. نائینی، فوائد الاصول، ۷/۳.

به متعلق فراهم می‌آید.^{۳۶} اگر متعلق قطع از الزامات شرعی یا موضوع آن باشد کبرای عقلی لزوم اطاعت و قبح معصیت بر آن الزامات شرعی منطبق شده واجد صغری می‌شود، اما شارع مقدس می‌تواند با توجه به حق الطاعه و مقام مولویت تنجز آن الزامات را حتی در فرض مطابقت قطع با واقع، بنابر تحلیل سید یزدی،^{۳۷} به غیر آن قطع خاص محدود کند، (= حکومت تزیینی)، و آن قطع را مثلاً از آن جهت که از راه مقدمات نظری غیر ایمن مثل قیاس مساوات فراهم آمده است مورد نهی قرار دهد بی آنکه در موضوع آن احکام الزامی تصرفی کند و چیزی جز ذات موضوع را در ترتب حکم دخیل گرداند. پس قطع همچنان بر حالت طریقتش پا برجاست. نباید فراموش کرد که قائلین به حجیت ذاتی قطع بر این باورند که در قطع طریقی نمی‌توان از جهت سبب قطع نیز فرق گذاشت،^{۳۸} اگر چه با صراحت تمام نهی از سبب را پذیرفته‌اند.^{۳۹}

۴- اعتبار ذاتی قطع و عدم امکان نهی از آن گرفتار تالی فاسد نقض بر حجت بالغه الهی است که در قرآن کریم به صراحت بیان شده است.^{۴۰} زیرا این مبنی هیچ گونه ظرفیتی را بر خلاف امر مقطوع برای شخص قاطع به باطل پذیرا نیست. بنابراین حجت بالغه الهی که حجتی مطابق با حقیقت محض و حتماً به حکم بالغه بودنش در اختیار همه افراد بشر است در حق وی نقض شده است. مطابق روایات مورد تأیید آیه فوق هر کسی که به واقع دست نیافته باشد از جمله شخص دارای قطع به باطل، فردای قیامت مورد عتاب الهی قرار می‌گیرد که چرا برای آموختن حقیقت اقدام نکرده است؟!^{۴۱} در حالی که بر مبنای مذکور چنین اقدامی عقلاً ناممکن و عتاب مزبور تکلیف بما لایطاق است.

با رد دلایل عدم امکان نهی از قطع، در مبحث دوم به اثبات نظریه امکان نهی شرعی از قطع طریقی می‌پردازیم.

مبحث دوم، امور هشگانه در رواداری نقض اعتبار قطع طریقی

امکان نهی شرعی از قطع و نقض اعتبار آن در ضمن هشت امر روشن می‌گردد.

۱. تفاوت مقام ثبوت و مقام اثبات

۳۶. محقق اصفهانی، *نهایة الدراية*، ۱۸/۳.

۳۷. سید یزدی، *حاشیة فراند الاصول*، ۳۱/۱ تا ۳۴.

۳۸. شیخ انصاری، *فراند الاصول*، ۳۱/۱.

۳۹. شیخ انصاری، *فراند الاصول*، ۵۲/۱.

۴۰. (قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ) *أنعام: ۱۴۹*.

۴۱. شیخ مفید، *الأمالی*، ۲۲۷. قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ قَالَ سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَ وَ قَدْ سُئِلَ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ لِلْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَبْدِي أَ كُنْتَ عَالِمًا فَإِنْ قَالَ نَعَمْ قَالَ لَهُ أَ فَلَا عَمَلْتَ بِمَا عَلِمْتَ وَ إِنْ قَالَ كُنْتُ جَاهِلًا قَالَ لَهُ أَ فَلَا تَعَلَّمْتَ حَتَّى تَعْمَلَ فَيُخَصِّمُهُ وَ ذَلِكَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ.

هر واقعیتی دارای دو مقام است؛ مقام ثبوت که همان مقام تحقق آن واقعیت است، و مقام اثبات که مقام اطلاع و آگاهی از آن واقعیت است. مقام اثبات می‌تواند اثبات قطعی و یا ظنی و یا حتی به شکل یک احتمال باشد. احتمال وجود یک واقعیت نیز به میزان شدت و ضعف احتمال، نوعی کشف از آن واقعیت است. مقام اثبات حتی در صورت مطابقت با ثبوت فراتر از «مَنْظَر» شخص نیست، اگر چه مَنْظَری مطابق با واقع است.^{۴۲}

۲. مقام اثبات و جهل مرکب

مقام اثبات لزوماً به معنای مطابقت با مقام ثبوت نیست. احتمال عدم مطابقت در مقام اثبات ظنی و احتمالی، مورد تردید نیست. اما در مقام اثبات قطعی، به دلیل حالت جزم نفسانی مورد غفلت بسیاری واقع شده است، در حالی که حتی در فرض مطابقت واقعی و نفس الامری، یعنی در فرضی که حتی قطع با واقع مطابقت داشته باشد نیز شخص قاطع به واسطه حصار و حجاب علم، احتمال عدم مطابقت قطع را با واقع نمی‌تواند نادیده بگیرد. همانطوری که دیگران چنین احتمالی را در خصوص قطع وی نسبت به واقع روا می‌دارند و این نیست جز آنکه نسبت به تفاوت و تأخر مقام اثبات در ارتباط با مقام ثبوت اذعان دارند. این اذعان در مورد خصوص قاطع نیز همزمان با قطعش قابل تصور است اگر فقط به این تفاوت و تأخر مقامی توجه داشته باشد. مگر در فرض حق الیقین مثلاً که خروج موضوعی از بحث قطع است. زیرا بحث در قطعی است که هم اعم از جهل مرکب می‌تواند باشد و هم متأخر از مقام واقع است.^{۴۳}

۳. مقام «مَنْظَر»، واقعیت در نگاه قاطع و زیر آسمان قطع

شخص دارای قطع در زمانی که نسبت به چیزی و واقعیتی قطع دارد آن واقعیت را جز در تطابق کامل با قطعش نمی‌بیند و هیچ‌گونه خلاف و تخلفی را در قطعش نسبت به آن واقعیت روا نمی‌دارد، چرا که واقعیت را تمام عیار برای خویش مکشوف و آشکار می‌بیند و از همین روی قطع چیزی جز جزم کامل و کشف تام از مَنْظَر و نگاه قاطع نیست. این نگرش اگر چه در جای خود کاملاً صحیح و بجاست اما متأسفانه توجه بیش از اندازه به جازمیت و کاشفیت در قطع سبب این تصور نابجا شده که امکان نهی شرعی از قطع طریقی را مستلزم تناقض در واقعیت یا در نگاه شخص قاطع دانسته‌اند.^{۴۴} کشفی که در قطع اتفاق می‌افتد کشفی مطلق و در متن واقع و نفس الامر، یعنی کشفی فارغ از مَنْظَر و نگاه شخص قاطع نیست، بلکه کشفی مقید به دریافت شخص و در حصار جزم نفسانی شخص قاطع و از منظر اوست، (کشف الواقع لدی القاطع). لذا شخص قاطع هیچ‌گونه احتمال خلافی را از مَنْظَر خویش که متأخر از مقام واقع است نسبت به واقع و آنچه که درباره آن به قطعیت رسیده بر نمی‌تابد تا چه رسد به آنکه بخواهد ظن و یا قطعی بر خلافتش را در خود پذیرا باشد. به همین مناسبت این مرحله را مرحله «در سپهر قطع» می‌نامیم.

^{۴۲}. حائری یزدی، درر الفوائد، ۳۲۷. صدر، دروس فی علم الاصول، ۲۳/۲.

^{۴۳}. شیخ انصاری، فراند الاصول، ۳۹/۱ تا ۴۱. حائری یزدی، درر الفوائد، ۳۲۷.

^{۴۴}. خوئی، مصباح الاصول، ۱۷/۱.

قطع، بیانگر رابطه بین شخص و آن امر مقطوع نزد وی است که عبارت از جزم نفسانی وی به موجود ذهنی است، نه بیانگر رابطه بین آن امر مقطوع، (موجود ذهنی)، در مطابقت با واقعیت وجود خارجی اش، لذا این مطابقت می‌تواند در واقع شکل نگرفته و جهل مرکب اتفاق افتاده باشد، و این لازمه تأخر مقام قطع از مقام واقع امر مقطوع است.

نهی شرعی از قطع، واقعیتهایی است فرا منظری و در متن واقع شریعت که از مقام واقعیت نفس الامری که فراتر از منظر قاطع است متوجه قطعش می‌شود، یعنی تحققش در متن واقع شریعت رخ می‌دهد و همین تفاوت بین منظر از یک سو و واقعیت نفس الامری از سوی دیگر وحدت موضوعی لازم در تناقض را منتفی می‌کند. اما نحوه مواجهه قاطع با این نهی اگر چه باز به منظر قاطع باز می‌گردد اما یا به عنوان دلیل حاکم است، (در فرض مطابقت قطع)، و یا دلیل وارد، (در فرض خطای قطع)،^{۴۵} که در تعارض و تناقض با منظر نخست قرار نمی‌گیرد.^{۴۶}

۴. واقعیت فراتر از «منظر» و ما و رای آسمان قطع

شخص قاطع اگر چه احتمال خلاف را در قطعش بر نمی‌تابد، با اندک توجهی احتمال خطای قطعش نسبت به واقع را حتماً پذیراست. احتمال خلاف در قطع راه ندارد. چرا که قطع «منظر» قاطع است و او در این مقام کاملاً جازم است، اما در عین حفظ قطع و جزم در آن، احتمال خطا و تخطی از واقعیت نیز وجود دارد که این مقام دیگر مقام فرا منظری است. زیرا احتمال خلاف مربوط به رابطه بین شخص با امر مقطوعش در همان مرحله وجود ذهنی و نفسانی است که به حکم استحاله تناقض قابل پذیرش نیست. اما احتمال تخطی و خطا مربوط به مطابقت آن موجود ذهنی با واقعیت خارجی است که امری کاملاً محتمل و ممکن و به دور از تناقض مزبور است، چرا که به تفاوت رتبه معلوم به ذات (صورت ذهنی) با معلوم بالعرض (واقعیت خارجی) تکیه دارد.

اگر چه امر فرا منظری مزبور نیز در مواجهه شخص در قالب یک منظر بروز می‌یابد اما منظری مُشرف و فرادستی که شأن دلیل حاکم یا وارد است. درباره دو مقام نباید اشتباه کرد؛ تفاوت مقام اثبات و مقام قطع، (مقام منظر)، با مقام ثبوت و مقام واقعیت متقدم. احتمال جهل مرکب و زاویه داشتن قطع از حقیقت واقع انکار ناپذیر است، (الواقع بما هو فی نفس الامر، لا بما هو مکشوف لدى القاطع). احتمال تخطی قطع از واقعیت که به لحاظ مقام فرا منظری است هر قاطعی را در عین جزم و قطعیت نفسانی که مقام منظری است به پذیرش احتمال خطا و جهل مرکب متقاعد می‌کند و تناقضی نیز لازم نمی‌آید. حیثیت هر کدام از این دو حکم متفاوت است و هر یک در مقامی شکل می‌گیرد که دیگری در آن مقام نیست. به عبارتی دیگر اضافه هر یک از این دو حکم، یعنی (عدم پذیرش احتمال خلاف)، و (پذیرش احتمال خطا)، غیر از اضافه دیگری است. مقامی که قطع از پذیرش هر گونه احتمال خلافی ذاتاً پرهیز دارد مقام کاشفیت نزد شخص قاطع و از منظر اوست که اساس تحقق هویت قطع وابسته به آن است و در حصار بلند دریافت شخص قاطع محصور است. در این مقام چون قاطع دارای جزمیت در دریافت است چیزی جز امر دریافتی را بر

^{۴۵}. در فرض مطابقت قطع با واقع، دلیل ناهی در مقام تفسیر واقع، عقد الوضع را توضیح کرده و حکم را از فعلیت و تنجز مکلف خارج می‌سازد و حکومت توضیحی شکل می‌گیرد. در فرض خطای قطع نیز دلیل تبعیدی ناهی، بیانگر انتفای حقیقی مقطوع در متن واقع است، و چون انتفای حقیقی واقع به برکت دلیل تبعیدی است ورود محقق شده است.

^{۴۶}. سید یزدی، حاشیه فرائد الاصول، ۱/ ۳۳ و ۳۴. حائری یزدی، درر الفوائد، ۳۲۷.

نمی‌تابد و این فضا، فضای محدود به سیطره قطع و شناخت جزمی در سپهر قطع و از منظر قاطع است و بیانگر حالت نفسانی شخص قاطع است. اما مقام نفس الامری و واقعیت وجود خارجی متعلق قطع که شخص قاطع برای دست یابی به آن به کشف و دریافت جزمی نائل آمده است می‌تواند بسیار فراتر از حصار جزم و دریافت شخصی وی باشد. هر دریافت و کشفی اگر چه قطعی پذیرای آن است که شاید با واقعیت مطابقت نداشته باشد، حتی در فرض مطابقت واقعی و نفس الامری باز احتمال تخطی وجود دارد. چون کسی مُشرف بر وجود واقعی یا همان نفس الامر شریعت جز شارع مقدس نیست. لذا پیش از این با عنوان حصار و حجاب علم از قطع یاد کردیم. این مقام، مقام فرا منظری و ماورای سپهر قطع و در گرو نفس الامر واقع و وجود واقعی شرع است، نه گرفتار تنگنای دریافت و منظر قاطع. مقام فرا منظری وقتی در مواجهه شخص قرار می‌گیرد خود نوعی منظر است اما این منظر نسبت به منظر نخست، در نگاه عرف و عقلا منظری فرادستی و دارای مقام حاکمیتی و تقدم رتبه است آنسان که قرینه را بر ذو القرینه و دلیل حاکم را بر محکوم و عناوین ثانویه را بر اولیه مقدم می‌دارند. به بیان اصولی رابطه موجود بین قطع مطابق واقع و نهی شرعی از آن، رابطه حکومت تضییقی است و فرض نهی موجود در واقعیت وجودی شرع (نفس الامر) اگر چه در مواجهه شخص قاطع حتماً به افق منظر وی راه می‌یابد اما نقش حاکم را بر منظر فرودستی جزم شخص قاطع دارد و عقد الوضع آن را مضیق می‌کند، همان سان که عناوین ثانوی در نگاه شیخ انصاری نسبت به عناوین اولی نقش حکومت تضییقی را بازی می‌کند^{۴۷} و یا می‌توان قطع مورد نهی شرعی را فاقد مقام فعلیت اعتبار برشمرد و نهی را واجد فعلیت و به این جهت آن را بر قطع مقدم دانست، چنان که آخوند در تقدیم ادله ثانوی بر ادله اولی، با وجود رابطه عموم من وجه همین نظریه را دارد.^{۴۸} شخص قاطع حتی اگر قطعش مطابق واقع باشد خود بر این مطابقت نمی‌تواند واقف گردد، چرا که وی حتی در حالت قطع نیز در جایگاه «ناظر» است و همیشه در رتبه‌ای متأخر از متن واقع متعلق قرار دارد، به همان تأخر رتبه مقام اثبات از ثبوت، مگر در مورد حق الیقین که خروج موضوعی از محل بحث است. یکی از اسرار ضرورت وجود معصوم^۷ در همین وقوف ایشان بر واقع است که می‌تواند از قطع مطابق واقع پرده بردارد و مایه آرامش قلوب گردد.

۵. احاطه شارع مقدس بر منظر و بر واقعیت نفس الامر

مقام فرا قطعی و فرا منظری که حقیقت وجودی هر امری و مقام ثبوت آن است در تحت علم و قدرت خداوند متعال که عالم و محیط بر همه امور است قرار دارد. پس شارع مقدس محیط و مُشرف بر آن است.

۶. جعل و سلب در قطع

قطع چیزی جز کشف تام و جزمی نزد شخص قاطع و از منظر وی نیست. طریقت و کاشفیت عین ذات قطع است، نه از شمار ذاتیات آن.^{۴۹} از این روی هم جعل طریقت برای قطع و هم سلب طریقت از آن ناممکن و محال است. استحاله جعل و سلب کاشفیت نسبت به قطع مربوط به سپهر قطع و در جهان قطع است که حیثیت تقید به

^{۴۷}. شیخ انصاری، *فراند الاصول*، ۲/۴۶۲ و ۴۶۳.

^{۴۸}. آخوند خراسانی، *کفایة الاصول*، ۳/۲۹۴ و ۲۹۵.

^{۴۹}. محقق اصفهانی، *نهایة الدراية*، ۳/۱۸.

کشف نزد قاطع و از منظر اوست، نه حیثیت ما و رای سپهر قطع و فرادستی آن که عین وابستگی به واقعیت خاص خارجی و مربوط به مقام نفس الامری و وجود واقعی متعلق قطع است. هیچ کس در این امر تردید روا نمی‌دارد که هر شخصی غیر از قاطع می‌تواند وی را در خطا ببیند و قطعش را باطل بپندارد. راز این امکان نه در تفکیک قطع از کاشفیت است و نه در تبدل قطع طریقی به موضوعی، بلکه در تفاوت دیدگاه و منظر است که وحدت موضوعی را که بن مایه تناقض است از بین می‌برد. حال اگر همین تفاوت منظر در نفس خود قاطع ظهور کند همه اشکالات منتفی می‌گردد. این تفاوت منظر به سادگی در شخص قاطع با توجه به تأخر مقام اثبات و قطع از مقام واقع و ثبوت، نه تنها ممکن، بلکه یک واقعیت انکار ناپذیر است. ذات قطع به عنوان کشف از متعلق اگر چه از مقوله ذات الاضافه و عین تعلق و ربط به واقع است. این مقدار در اصل تعلق و اضافه به صورتی کلی است. اما تعلقش به متعلق خاص به صورت جزئی حقیقی تا در مصداقی مشخص در عالم نفس شکل بگیرد عرضی مفارق است که به تعداد و تفاوت آن متعلق خاص خارجی مختلف و متعدد می‌شود، در حالی که امور ذاتی باید در تمام مصادیق یکی و بی تفاوت و تغییر باقی بماند. پس وجود اختلاف در متعلق قطع نسبت به مصادیق گوناگون کاشف از آن است که تعلق قطع به متعلقات مصداقی به حمل شایع صناعی، نه ذات قطع است و نه از ذاتیات آن است. سلب طریقت در مرحله و مقام سپهر قطع که مقام ذات قطع است ممکن نیست و به سلب شیئی از ذاتش باز می‌گردد و در واقع فرض تناقض در حالت نفسانی شخص و محال است. اما سلب طریقت به معنای نفی اعتبار از قطع به لحاظ مقام فرادستی قطع که مقام ربط خاص مصداقی به حمل شایع صناعی و به عنوان متعلق خاص خارجی است و مربوط به مقام نفس الامری متعلق قطع است و مقامی است که می‌شود به داوری پیرامون مطابقت و عدم مطابقت قطع با واقع نشست امری ممکن در قالب حکومت تضییعی قابل تصور است آنگونه که در سلب شک از کثیر الشک اتفاق افتاده است و حال آنکه هویت شک ذات شک است چونان که هویت طریقت و قطع ذات قطع است، اما سلب آن و در واقع نفی اعتبار از آن به مطابقت و عدم مطابقت بین قطع و امر مقطوع در مرحله وجود ذهنی‌اش با واقعیت وجود خارجی و مقام ثبوت آن امر باز می‌گردد که حتی در فرض مطابقت واقعی نیز چون احتمال جهل مرکب را در مقام اثبات نفی نمی‌کند، (زیرا سخن در قطع است، نه در مثل حق الیقین)، و تأخر مقام قطع از واقع را پوشش نمی‌دهد امکان منع شرعی از متابعتش وجود دارد.

نفی اعتبار مذکور در هر حال به سلب عرض مفارق از ذات باز می‌گردد، نه سلب ذات از شیئی و هیچ گونه استحاله‌ای در پی ندارد و این داوری در حوزه شریعت از شارع مقدس که محیط و واقف بر مقام واقع و نفس الامر است محال نبوده و تناقض گوئی نیست، چرا که تفاوت مقام و اضافه، در واقع و در نهایت به تفاوت موضوع باز می‌گردد و در تعدد و تفاوت موضوع اجتماع نقیضین رخ نمی‌دهد.

۷. ذات قطع و وجوب متابعت

وجوب متابعت از قطع و عمل به آن نه ذات قطع است و نه از ذاتیات آن. چرا که قطع در هویت ذاتی‌اش چیزی جز «کشف نزد قاطع» و بیان ویژگی نفسانی شخص نیست. چگونه می‌توان وجوب متابعت را ذاتی قطع دانست در

حالی که قطع در تعلقش به امور واقعی خارجی از شمار امور طبیعی تکوینی، مثل قطع به وجود جنگل و دریا و صحرا و سفیدی دیوار و سیاهی شب هرگز چنین وجوبی را در بر ندارد و جدایی ذات و ذاتیات از شیئی محال است.^{۵۰}

۸. راز وجوب متابعت از قطع

وجوب و حرمتی برای خود قطع وجود ندارد جز همان الزام شرعی موجود در متعلق قطع به الزامیات شرعی. وجوب متابعت امری عقلی و ناشی از مقام مولویت مولی و حق الطاعه نسبت به الزامیات شرعی است. پس قطع صرفا کاشف از حکم واقعی منجز می‌تواند باشد اگر به نهی شرعی از این کشف سلب اعتبار نگردد. اگر هم این از این مبنی بر فرض چشم پوشی کنیم تن به سخن محقق اصفهانی می‌دهیم که استحقاق عقوبت بر مخالفت با قطع جز از این جهت نیست که کبرای استحقاق عقوبت بر مخالفت با مولی بر آن به انطباق قهری منطبق است.^{۵۱} و قطع طریقی، مقتضی منجز در تحقق صغری برای این کبرای عقلی و انطباق قهری آن است.

ناگفته نماند که مقدمه هشتم اگر چه بحثی مبنائی است و مخالفین این مبنا با آن همداستان نیستند، اما اولاً، بنابر مبنای مختار سخنی تمام و قابل دفاع است، ثانیاً، بر فرض چشم پوشی از آن اصل نقض بر حجیت ذاتی قطع زیر سوال نمی‌رود و مقدمیت این مبنا صرفا از جهت تبیین چگونگی رابطه الزامات شرعی با قطع طریقی است، نه وجه نقض بر حجیت ذاتی قطع.

۹. برآیند امور هشت گانه

بنابر آنچه گذشت نهی ارشادی به بطلان قطعی که بر خطا رفته است از جانب شارع مقدس که بر حقایق امور آگاه است نه به تناقض واقعی می‌انجامد و نه به تناقض در نگاه قاطع. زیرا شخص قاطع در عین جزم نسبت به متعلق قطعش این واقعیت را نیز درک می‌کند که نباید از ظرفیت جهل مرکب غفلت کند و احتمال جهل مرکب همواره او را تهدید می‌کند، ولی این تهدید منافاتی با جزم نفسانی اش ندارد. زیرا جزم نفسانی در سپهر قطع و در منظر وی شکل می‌گیرد و محدود به کشف مقید نزد قاطع است. اما مقام ارشاد به فساد و بطلان و خطای قطع ناظر به مقام فرادستی و ماورای آسمان قطع و از جهت اضافه و ارتباطش با واقع وجودی و نفس الامری متعلق و مربوط به مقام ثبوت آن است که می‌تواند از تیررس قطع دور مانده باشد و شارع مقدس می‌تواند با نهی ارشادی به خطای قاطع هشدار دهد، اگر چه شخص قاطع به واسطه تعلق خاطر به اسبابی که او را به قطع مزبور رسانده همچنان در چنثه‌ی جزم نفسانی غوطه‌ور باشد و وجه خطا و فساد قطعش برایش مکشوف نباشد و در خطائی شناختی گرفتار باشد، اما التزام به نهی و ارشاد شرعی وی را از اعتنا و عمل به آن قطعاً باز خواهد داشت. از جهت واقع نیز تناقضی وجود ندارد چون واقع و نفس الامر در حصار قطع نفسانی و اسیر منظر قاطع نیست و با توجه به نهی ارشادی معلوم می‌شود که واقعیت وجودی واقع و نفس الامر بر خلاف قطعی است که حاصل آمده است.

در نهی مولوی نیز به توضیح نهی ارشادی چالشی در خصوص قطع خطائی نیست. مشکل در قطع مطابق با واقع است که چه بسا به جهت آن که از سببی خاص حاصل آمده مورد نهی شرعی مولوی واقع شود. مثل آنچه که در نهی

^{۵۰}. حاجی سبزواری، ۱۵۴/۱ و ۱۷۷.

^{۵۱}. عراقی، نه‌ایة الافکار، ۱۸/۳.

از قیاس مساوات رخ داده است که حتی قطع حاصل از آن را و لو در واقع مطابق با مقام ثبوت باشد نیز در برمی‌گیرد. تأخر رتبه قطع از مقام واقع و نفس الامری که برای متعلقش محفوظ است و همچنین در رأی محقق اصفهانی چنان که گذشت اقتضای منجزی که قطع برای فراهم آوردن مصداق و صغری برای کبرای عقلی لزوم اطاعت از مولی و قبح معصیت وی و استحقاق عقوبت بر معصیتش در مورد امر مقطوع و صغرای مسأله دارد این امکان را برای شارع مقدس فراهم می‌آورد در موضوع حکم عقل به لزوم اطاعت و قبح معصیت و همچنین نسبت به صغرای این کبرای عقلی تصرف موضوعی و صغروی کند و دایره حجیت به معنای وجوب متابعت و یا اعتبار طریقت را نسبت به قطع طریقی از جهت موضوع تزییق و کوچک کند، (حکومت تزییقی عقد الوضع). چون قطع علت تامه و سبب ذاتی برای اعتبار و وجوب اطاعت نیست، بلکه در تعلق به الزامیات شرعی یا فقط کاشف بوده که قابل سلب اعتبار از این کشف است و یا در نگاه محقق اصفهانی مقتضی منجز و تنجیزی حجیت است. امور اقتضائی هر چند منجز، قابل سلب به تزییق تبعیدی دایره موضوع حجیت و تصرف در صغرای می‌انجامد که مورد انطباق کبرای عقلی است، و در عین حال طریقت قطع محفوظ مانده و به قطع موضوعی تبدیل نمی‌گردد. احکام شرعی اگر چه دارای واقعیت نفس الامری و وجود واقعی است و صرف اعتبار محض و عاری از واقعیت نیست اما این واقعیت نفس الامری، مثل هر امر اعتباری وابسته به منشأ اعتبارش است. منشأ اعتبارات شرعی مشیت شارع مقدس است. لذا به تعبیر آخوند ملازمه حکم شرعی با حکم عقلی تنها در مقام اثبات و کشف است، نه در مقام ثبوت و واقع.^{۵۲} احکام شرعی در مقام ثبوت ملازمه‌ای با حکم عقلی ندارد و اگر در فرضی حکم عقلی منتفی باشد نمی‌توان در آن مورد نسبت به نفی حکم شرعی مطمئن شد. چه بسا عقل در مقام کشف و اثبات به درکی نرسیده باشد اما همان مورد دارای جعل شرعی باشد. پس مشیت شارع مقدس در جعل و ایجاد حکم شرعی همه کاره است و چه بسا با عنایت به مصلحتی که از دیدگان عقل دور مانده از جعل حکمی الزامی چشم پوشی کرده و بشر را در رخصت و فراخ قرار دهد، در حالی که عقل همچنان بر الزام پافشاری کند، مثل ضرورت و قطع عقلی بر وجوب احتیاط در موارد اشتباه واجب بین دو امر که می‌تواند مورد ترخیص شرعی در ترک یکی از دو طرف باشد.^{۵۳} ترخیص شرعی در ترک یکی از دو امر در واقع منع از وجوب عقلی احتیاط است که با تحفظ شرعی بر وجوب آن امر مشتبه جعل شده است و نباید با فرض رفع شارع از اصل وجوب امر مشتبه بین دو امر خلط شود که خروج موضوعی از شاهد بحث است.^{۵۴}

مبحث سوم، تطبیقات فقهی

برخی از موارد کاربستی نقض اعتبار قطع در شریعت از این قرار است:

۱. رفع وجوب احتیاط

در مثال رفع وجوب احتیاط عقلی که ذکر شد نهی از لزوم احتیاط نهی مولوی است نه ارشاد به فساد، چه آنکه عقل در حکم به لزوم تعلیقی ره به خطا نپیموده است. توضیح سخن آنکه وقتی عقل واجب واقعی را مشتبه بین دو امر

^{۵۲}. آخوند خراسانی، کفایة الاصول، ۱۷۲/۳.

^{۵۳}. سید یزدی، حاشیة فراند الاصول، ۳۱/۱ تا ۳۴.

^{۵۴}. سید یزدی، حاشیة فراند الاصول، ۲۴/۱ تا ۲۶.

می‌بیند لامحاله بر لزوم احتیاط بین آن دو تأکید دارد تا با واجب واقعی مخالفتی صورت نگیرد، حال اگر شارع مقدس با صیانت از وجوب واقعی اما در چنین مقامی که امر مشتبه است حکم به ترخیص کند در واقع الزام عقلی به احتیاط را مورد نهی قرار داده است و این نهی نمی‌تواند بیانگر خللی در تشخیص عقلی نسبت به لزوم احتیاط باشد، بلکه از باب دلیل حاکم دارای جنبه مولوی است.^{۵۵}

۲. مصالح عرفی

یکی از موارد نهی از قطع وجود مصالح عرفی است. به گفته‌ی صاحب فصول از نظر عقل و عقلای بشری صحیح است که مولا از فرد تحت فرمانش بخواهد در مقام امتثال به قطعش حتی اگر از راه عقل حاصل آمده باشد تکیه نکند و تنها به فرامینی که به صورت شفاهی یا با مراسله به وی ابلاغ کرده عمل کند.^{۵۶} اگر پدری فرزندش را به خرید هندوانه شیرین امر کند و تأکید ورزد در انتخاب آن به قطع خودت اعتماد نکن و فقط به انتخاب فلان شخص که مورد وثوق من است عمل کن.^{۵۷} هدف هندوانه شیرین است و قطع فرزند طریقتی دارد. نهی پدر ارشاد به خطای نوع تشخیص و قطع فرزند است اما در موردی که قطعش صحیح است جز نهی مولوی معنا ندارد. شایان ذکر است مثال مذکور در خرید هندوانه اگر چه مثالی فقهی نیست، ولی غرض تبیین این مهم بوده که مصالح عرفی اگر شرایط لازم را جهت اعتبار دارا باشد می‌تواند از منظر فقهی نیز ملاک ورود نهی از قطع واقع شود.

۳. علم معصوم

معصوم ۷ با وجود برخورداری از علم الهی^{۵۸} که از خطا می‌ری است، حتی در حقوق الناس مأمور به بی‌تنبه و یمین است.^{۵۹} منع الهی از بهره‌برداری از علم افاضه الهی قطعاً ارشادی نیست، زیرا علاوه بر اصل اولی مولویت در تمام فرامین الهی، ارشاد به خطا در آن معنی ندارد.^{۶۰} (توضیحات ذکر شده به پاورقی منتقل شود.) منتقل شد.

۴. نهی از قیاس، استحسان، سد ذرایع و مقاصد استحسانی

نهی از قیاس مساوات و نظائرش از بدیهی‌ترین مبانی فقه امامیه است حتی اگر برای مکلف سبب قطع گردد و احیاناً آن قطع در واقع مطابق با واقع نیز باشد. در فرضی که قیاس مساوات یا مقاصد الشریعه‌ی استحسانی به طور اتفاقی مطابق واقع در آمده قطعاً نهی شرعی ارشاد به فساد و خطا نیست و حتماً دارای وجهت نهی مولوی است. نهی از قیاس و نظائرش اگر چه نهی از سبب قطع است اما گذشت که قائلین به حجیت ذاتی قطع بر این باورند که در

^{۵۵}. سید یزدی، حاشیه فرائد الاصول، ۳۱/۱ تا ۳۴.

^{۵۶}. حائری اصفهانی، الفصول الغرویه، ۳۴۳.

^{۵۷}. سید یزدی، حاشیه فرائد الاصول، ۲۶/۱.

^{۵۸}. نساء: ۱۰۵ و ۱۱۳.

^{۵۹}. ثقة الاسلام کلینی، الکافی، ۴۱۴/۷، ح. ۱. سید یزدی، حاشیه فرائد الاصول، ۲۷/۱.

^{۶۰}. این مثال بر آن مبنا است که معصومین هرگز نسبت به امور عالم فاقد علم نیستند و در زمانی که از علومشان استفاده نمی‌کنند نیز واجد علمند. این مبنا متکی بر ادله عقلی و نقلی به تفصیل از سوی برخی نویسندگان بررسی شده است. ر.ک: مؤمنی، امامت از نگاه عقل و معرفت دینی، ۵۸ تا ۷۱.

حجیت ذاتی حتی از جهت سبب نیز نمی‌توان فرقی قائل شد. علاوه بر این که نهی از سبب بی تردید به دلیل سببیت دامن مسبب را از نظر عقلی می‌گیرد، چه آن که از نظر عرفی و عقلانی نیز چنین قطعی قطعاً فاقد وجاهت و اعتبار است. لذا جای تعجب دارد که شیخ انصاری چگونه با تصریح به عدم فرق بین اسباب قطع طریقی در مقام حجیت، اما در برابر اخباری‌ها عدم جواز خوض در مطالب عقلی برای دستیابی به احکام شرعی را از باب تقصیر در مقدمات توجیه می‌کند.^{۶۱}

نتیجه‌گیری

قطع با توجه به ذاتش اگر چه کشف تام از متعلق است اما این کشف لزوماً یک کشف واقعی و نفس‌الامری و مطابق با واقع نیست، بلکه ذاتاً کشف منظری است و در واقع نوعی «vishion» و «perception» یعنی منظر و ادراک و دریافت است، نه لزوماً وصول به واقع. بلکه منظری فرودستی و در حصار تنگ دریافت جزئی شخص قاطع و برون تراویده از آن و بیانگر حالت روانی شخص است و رابطه بین قضیه و روان و نفس شخص قاطع را نشان می‌دهد، نه واقعا انعکاس واقعیت خارجی امر مقطوع باشد. شاهد این معنی ظرفیت قطع طریقی برای جهل مرکب است. قطع طریقی، ادراکی روانشناختی است. اما نه ادراکی محض که نسبتی با واقعیت وجود خارجی امر مقطوع نداشته باشد، ولی نسبتش لزوماً مطابقت با آن و انعکاس آن نیست، زیرا احتمال جهل مرکب برای شخص قاطع حتی در صورت مطابقت واقعی و خارج از احاطه وی با واقعیت وجود خارجی متعلق نیز وجود دارد، چه آنکه شخص قاطع در حجاب نگاه و منظر خود است و بر واقعیت مقام ثبوت متعلق اشراف ندارد (مگر در حق الیقین که خروج از محل بحث است). توجه بیش از اندازه به کاشفیت جزئی در قطع سبب شده بسیاری از اصولیین از جنبه ادراک روانشناختی آن غفلت ورزیده از یاد ببرند این کاشفیت، کاشفیتی لدی القاطع و «وجه منظر» و ویژگی روان شخص است، نه کاشفیت فی الواقع و نفس‌الامری و مقام ثبوت واقع وجود خارجی متعلق. احتمال جهل مرکب در مطلق قطع امکان نهی ارشادی به فساد آن و بیان خطای شناختی شخص قاطع را فراهم می‌آورد و تناقضی در واقع رخ نمی‌دهد. در باور و منظر شخص قاطع نیز با توجه به تأخر رتبه قطع از واقعیت خارجی مشکل تناقض بر طرف می‌گردد. مواجهه با نهی شرعی نیز اگر چه خود منظری از مناظر شخص است اما منظری که جایگاه اشرافی و فرادستی و نقش قرینه را در نگاه عرفی دارد. از سوی دیگر، وجوب عقلی یا شرعی مستقلی نسبت به متابعت از قطع وجود ندارد. پس این ظرفیت را برای نهی مولوی فراهم می‌آورد که قطع قیاسی یا استحسانی و نظائر آن را حتی در فرض مطابقت با واقع در منظر ملکف نیز مردود گرداند. زیرا با توجه به همین تأخر رتبه و منشأ وجوب متابعت و حق الطاعه شارع مقدس می‌تواند موضوع حجیت را در قطع طریقی به حکومت تصنیفی مضیق گرداند. نهی، قطع طریقی را به قطع موضوعی تبدیل نمی‌کند. طریقت قطع در قیاس به متعلق قطع است و موضوعیت لازم آمده از این نهی مربوط به جایگاه موضوعی قطع برای نهی از آن است.

^{۶۱}. شیخ انصاری، *فراند الاصول*، ۵۲/۱.

منابع

۱. احدی، علی. عسکر سلیمانی امیری. علیرضا صانعی. «قطع و یقین از منظر علم اصول و معرفت شناسی بر پایه دیدگاه آخوند و علامه طباطبائی»، معارف عقلی، ش ۴۴، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ۳۳ تا ۵۶.
۲. استرآبادی، ملا محمد امین. الفوائد المدنیة. قم. انتشارات جامعه مدرسین. چاپ دوم، ۱۴۲۶ق.
۳. اسماعیلی، محمد علی. سید محمد مهدی احمدی. «پژوهشی در حجیت ذاتی قطع در علم اصول»، مجله فقه، ش ۸۳، فروردین ۱۳۹۴، ۱۰۳ تا ۱۳۰.
۴. امام، سید محمد رضا. عبدالله جوان. «بررسی دیدگاه امام خمینی پیرامون منشأ حجیت قطع»، نشریه متین، ش ۷۲، آذر ۱۳۹۵، ۱ تا ۱۷.
۵. آخوند خراسانی، محمد کاظم. کفایة الاصول. با تعلیقات شیخ عباس زارعی سبزواری. قم، انتشارات جامعه مدرسین. چاپ ششم، ۱۴۳۰ق.
۶. آهنگران، محمدرسول. «تحکیم و تحلیل دیدگاه امام خمینی در نقد حجیت ذاتی قطع»، فقه و اصول دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۸۶، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ۹ تا ۳۲.
۷. بجنوردی، سید حسن. منتهی الاصول. تهران. مؤسسه عروج. چاپ اول، ۱۳۸۰ش.
۸. ثقة الاسلام کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. تهران. دار الکتب الاسلامیة. چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.

۹. جزائری، سید نعمت الله. شرح التهذیب. مخطوط. به نقل از پاورى فرائد الاصول. قم. انتشارات مجمع فكر اسلامى. چاپ نهم، ۱۴۲۸ق.
۱۰. حاجى سبزواری، ملا هادى. شرح المنظومه. تصحيح و تعليق: حسن حسن زاده آملی. تحقيق: مسعود طالبی. تهران. نشر ناب. چاپ اول، ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۹.
۱۱. حائرى اصفهانى، محمد حسين. الفصول الغروية. قم. دار إحياء العلوم الاسلاميه. چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۱۲. حائرى، شيخ عبد الكريم. درر الفوائد. قم. انتشارات جامعه مدرسين. چاپ ششم، ۱۴۱۸ق.
۱۳. حميدى، محمد رضا. مجتبى صادقى. «بررسى حجيت قطع با رويکرد به مفهوم عقلانى حجيت»، نخستين همایش ملی واژه پژوهی در علوم اسلامی، یاسوج. <https://civilica.com/doc/508427>. ۲۳ تا ۳۹.
۱۴. خوئی، سید ابوالقاسم. مصباح الاصول. مقرر: سید محمد سرور فاضل بهسودی. قم. داوری. چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۱۵. رضوی قمی، سید صدر الدین. شرح الوافیة. مخطوط. در حاشیه فرائد الاصول. شیخ انصاری. قم. انتشارات مجمع فكر اسلامى. چاپ نهم، ۱۴۲۸ق.
۱۶. روحانى، سید محمد. منتقى الاصول. مقرر: عبدالصاحب حكيم. قم، دفتر آیت الله سید محمد حسینی روحانى. چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۱۷. سبجانی، جعفر. المحصول فی الاصول. مقرر: محمد حسین حاج عاملی. قم، مؤسسه امام صادق. چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۱۸. سید یزدی، محمد کاظم. حاشیة فرائد الاصول. مقرر: محمد ابراهیم یزدی نجفی. قم. دار الهدی. چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
۱۹. شاکری، بلال. سید محمد باقر قدمی. رضا میهن دوست. «نگاهی انتقادی به حجیت ذاتی قطع»، پژوهش‌های اصولی، ش ۲۷، ۴۳ تا ۷۰.
۲۰. شیخ انصاری، مرتضی. فرائد الاصول. قم. مجمع فكر اسلامى. چاپ نهم، ۱۴۲۸ق.
۲۱. شیخ طوسی، محمد بن حسن. العدة فی الاصول. قم. علاقه بندگان. چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۲۲. شیخ مفید، محمد بن محمد. الأمالی. قم، کنگره شیخ مفید. چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۲۳. صابری، حسین. امیر محمودی. عبدالکریم عبداللهی. «واکاوی قطع و حجیت آن در آیات و روایات»، فقه و اصول، ش ۱۲۶، پائیز ۱۴۰۰، ۱۰۷ تا ۱۲۷.
۲۴. صدر، سید محمد باقر. دروس فی علم الاصول. بیروت. دارالمنتظر. چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
۲۵. صفائی، محمد حسین. حسین واله. «ارزیابی از مواجهه معرفتی اصولی با اخباری ذیل مسأله حجیت ذاتی قطع»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی. ش ۲۷، تابستان ۱۴۰۱، ۳۰۵ تا ۳۳۲.
۲۶. صلیبا، جمیل. منوچهر صانعی. فرهنگ فلسفی. تهران، حکمت. چاپ نوم، ۱۳۶۶ش.
۲۷. عراقی، ضیاء الدین. نهاية الافکار. مقرر: شیخ محمد تقی بروجردی. قم، انتشارات جامعه مدرسين. چاپ سوم، ۱۴۱۷ق.

۲۸. فقیه سبزواری، محمد باقر. ذخیره العباد فی شرح الارشاد. قم، مؤسسه آل البيت: چاپ اول، ۱۳۴۷ق.
۲۹. قربان زاده، فاطمه. «بررسی حجیت ذاتی قطع و آثار آن»، مطالعات فقهی، ش ۱، اسفند ۱۳۹۷، ۴۹ تا ۶۴.
۳۰. کاشف الغطاء، شیخ جعفر. کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء. قم، بوستان کتاب. چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۳۱. محقق اصفهانی، محمد حسین. نهاية الدراية. قم، مؤسسه آل البيت: چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۳۲. محقق بحرانی، سید یوسف بن احمد. الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة: قم. انتشارات جامعه مدرسین. چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
۳۳. محقق بحرانی، سید یوسف بن احمد. الدرر النجفیة من الملتقطات الیوسفیة. بیروت. دار المصطفی لإحياء التراث. چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
۳۴. محقق، مهدی. هیکو ایزتسو توشی. منطق و مباحث الفاظ: مجموعه متون و مقالات تحقیقی. تهران. انتشارات دانشگاه تهران. چاپ اول، ۱۳۷۰.
۳۵. مؤمنی، سید محمد حسن. امامت از نگاه عقل و معرفت دینی. قم. دلیل ما. چاپ اول، ۱۳۹۲.
۳۶. نائینی، محمد حسین. اجود التقریرات. مقرر: سید ابوالقاسم خوئی. قم. عرفان. چاپ اول، ۱۳۵۲.
۳۷. نائینی، محمد حسین. فوائد الاصول. مقرر: محمد علی کاظمی. قم. انتشارات جامعه مدرسین. چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
۳۸. نجفی اصفهانی، محمد رضا. وقایة الأذهان. قم، مؤسسه آل البيت: چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۳۹. نجفی، فرزانه. پایان نامه: «تحلیل مبانی حجیت قطع با تأکید بر نظرات شهید صدر»، استاد راهنما: محمدرضائی، دانشگاه بوعلی همدان، تیر ۱۳۹۶.
۴۰. نجفی، فرزانه. محمد آقائی. «بررسی تطبیقی حجیت قطع از دیدگاه آخوند خراسانی، شهید صدر و امام خمینی»، پژوهش های حقوقی میان رشته ای. ش ۱۱، پائیز ۱۴۰۱، ۷۰ تا ۸۳.
۴۱. نجفی، محمد حسن. جواهر الکلام. بیروت. دار إحياء التراث العربی. چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.
۴۲. نیکوئی، مجید. حسین سیمائی صراف. «نقدی بر کاشفیت ذاتی قطع از واقع در پرتو معرفت شناسی جدید»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ش ۲۰، خرداد ۱۳۹۸، ۳۷۳ تا ۴۰۲.
۴۳. هدائی، علی رضا. محمدرضا حمیدی. «بررسی امکان و وقوع منع متابعت از قطع با رویکرد به آرای امام خمینی»، پژوهشنامه متین، ش ۶۶، بهار ۱۳۹۴، ۱۳۳ تا ۱۵۹.
۱. (چنانچه در متن هم تذکر داده شد این مورد تکراری است. و در شماره ۱۷ تکرار شده است.) **مورد تکراری**

حذف شد